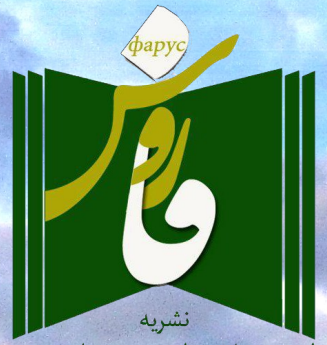




دانشگاه تربیت مدرس  
معاونت فرهنگی و اجتماعی



نشریه

انجمن علمی دانشجویی زبان روسی  
دانشگاه تربیت مدرس

سال اول - شماره اول - پاییز ۱۳۹۸



دانشگاه دولتی لاناوساف مسکو (MSU)



سومین جشنواره ملی تئاتر دانشجویی بر زبان روسی

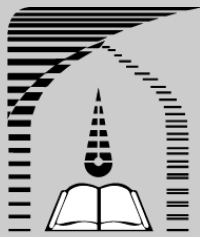


مکانی به فعالیت های کتبی فرهنگ نگاری، مصاحبه با دکتر مهدی بهارلو



جشنواره داخلی حرکت و درخشش انجمن علمی دانشجویی زبان روسی





دانشگاه تربیت مدرس  
معاونت فرهنگی و اجتماعی



نشریه  
انجمن علمی دانشجویی زبان روسی  
دانشگاه تربیت مدرس

### صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی زبان روسی  
دانشگاه تربیت مدرس  
(معاونت فرهنگی و اجتماعی)

### مدیر مسئول و سردبیر:

محدثه چراغعلی

### مدیر اجرایی:

مینا مارزولو

### هیئت تحریریه:

دکتر محمدرضا محمدی  
(دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر محبوبه علیاری شوره دلی  
(استادیار دانشگاه تربیت مدرس)

فاطمه قنبری، دانشجوی دکتری

مینا مارزولو، دانشجوی دکتری

فاطمه سادات میرلوحی، دانشجوی دکتری

فاطمه جعفری، دانشجوی کارشناسی ارشد

محدثه چراغعلی، دانشجوی کارشناسی ارشد

آزاده حسنی فرد، دانشجوی کارشناسی ارشد

فاطمه رحیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد

فاطمه همتی پویا، دانش آموخته ی کارشناسی ارشد

### صفحه آرا:

محدثه چراغعلی

## فهرست

- فرهنگ لغت، باید ها و نبایدها ۴
- بررسی ساختارهای نحوی بیان احساس در زبان روسی ۶
- بررسی تطبیقی آداب گفتار روسی در موقعیت «دعوت» با زبان فارسی ۱۰
- چکیده پایان نامه: بررسی تغییرات زبانی وامواژه‌های روسی در گویش ایرانی زبان آذربایجانی ۱۵
- چکیده پایان نامه: تجزیه و تحلیل تطبیقی انواع اصلی مجاز مرسل در زبان های روسی و فارسی ۱۷
- نگاهی به فعالیت های کمیته ی فرهنگ نگاری، مصاحبه با دکتر هادی بهارلو ۱۸
- خبر درخشش انجمن علمی دانشجویی زبان روسی در جشنواره داخلی حرکت ۲۱
- گزارش همایش ملی فرهنگ‌نگاری دوزبانه ۲۲
- خبر سومین جشنواره تئاتر دانشجویی به زبان روسی ۲۴
- برگی از تاریخ: اسلاو ها که بودند؟ ۲۶
- اصطلاحات و تعبیرات: زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد ۲۷
- خوانش اثر، حل جدول ۲۸

نشانی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان روسی

رایانامه: farus.tmu@gmail.com

تلفن تماس: ۸۲۸۸۳۶۶۵

این نشریه دارای مجوز شماره (۱۸۰۸ / د ۱۹۳) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ از

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس است.

# فرهنگ لغت، باید ها و نبایدها

بایدها: آنچه را که لازم است از فرهنگ لغت بدانیم. ≠ نبایدها: آنچه را که از فرهنگ لغت نمی دانیم و یا عمل نمی کنیم.

## فرهنگ کلیفسووا و واسکانیان

این فرهنگ آموزشی روسی به فارسی برای مخاطبان فارسی زبان با ضمیمه مختصری در مورد آواشناسی و صرف زبان روسی نگاشته شده است.



پروفسور گ. آ. واسکانیان: متولد ۱۹۲۴ در ارمنستان

به مدخل (словарная статья) فعل читать در فرهنگ کلیفسووا و واسکانیان (نسخه قدیم) در ادامه توجه کنید، برخی ویژگیهای رعایت شده در ارائه یک مدخل و برای زبان آموز ایرانی در فرهنگ آموزشی کلیفسووا به شرح زیر است:

читать → ۳  
[ف. اس. -ю، -ешь]

← ۱ прочитать грэх'і- [ف. م.]  
tät'  
проч|ётся грэх'ёс'т' [ف. م. -тү، -тёшь؛ ز. گذ. -ёл، -ла؛ امر -ти]  
→ ۴ что и без доп. مطالعه کردن  
~ть вслух [با صدای] بلند خواندن  
~ть наизусть از بر خواندن  
~ть про себя پیش خود خواندن  
~ть лекцию سخنرانی کردن

از فرهنگ کلیفسووا

در سلسله مطالبی با عنوان بالا سعی خواهد شد تا سواد اطلاعاتی خود را بر محور فرهنگ لغت افزایش داده و قابلیت های بسیاری که در این حوزه وجود دارد را شناسایی و معرفی نماییم.

فرهنگ لغت از منابع مهم، اصیل و اساسی هر زبانی است که به نحوی با فهم و درک بهتر زبانها در ارتباط است. چه این ارتباط یک طرفه و فقط از طریق مسیر زبان مادری باشد که از فرهنگ یک زبانه استفاده می کند و چه این ارتباط، زبان مادری با یک یا چند زبان خارجی باشد که نیازمند استفاده از فرهنگ های دو و چند زبانه می باشد.

معمولا در پاسخ به سؤال: آیا شما مقدمه فرهنگ های لغت مورد استفاده خودتان را تاکنون مطالعه کرده و یا بدان توجه کرده اید؟ پاسخ بیشتر ما منفی است. ضرورت استفاده و مطالعه آن هنگامی بهتر درک می شود که در استفاده از فرهنگ و فهم مطالب، دچار مشکل شده و یا توانایی لازم در استفاده مناسب از یک فرهنگ لغت را نداریم. به عبارت دیگر با مطالعه مقدمات فرهنگ لغت، امکان دسترسی آسان و سریعتر به محتوای مورد نیاز ما فراهم می گردد.

فرهنگ های دو زبانه روسی به فارسی پرمخاطب مورد استفاده در ایران

- سه فرهنگ روسی به فارسی (Русско-персидский) متداول مورد استفاده دانشجویان، زبان آموزان و علاقه مند به زبان روسی در ایران به این شرح است:
- ۱) کلیفسووا (С.Д. Клевцова)،
  - ۲) واسکانیان (Г.А. Восканян)،
  - ۳) افچینیکووا (И.К. Овчинникова)

در ادامه به مقایسه یک مدخل در دو فرهنگ ۱ و ۲ خواهیم پرداخت و در شماره های بعد آنرا ادامه خواهیم داد.

استفاده از فرهنگ کلیفسووا و پس از تسلط نسبی زبان آموز به استفاده از این فرهنگ پیشنهاد می گردد.

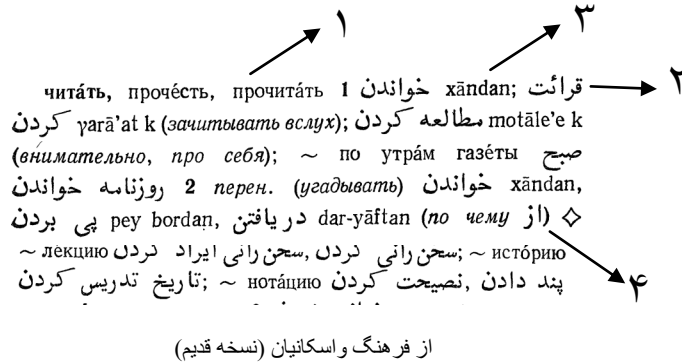
۱) ارائه فرم استمرای (НСВ) و مطلق (СВ) فعل در یک مدخل به همراه مشخصات کامل دستوری و صرفی فعل،

۲) ارائه مطالب و برابره‌های فارسی از راست به چپ،

۳) طرز تلفظ واژه روسی (و نه واژه فارسی)

۴) ارائه هدایت نحوی فعل (управление)

با توجه به ویژگیهای فرهنگ کلیفسووا، استفاده از این فرهنگ در دوره های مقدماتی آموزش زبان روسی به فارسی زبانان پیشنهاد و تاکید می گردد. لازم به ذکر است با توجه به ویژگیهای فرهنگ واسکانیان، استفاده از این فرهنگ بعد از



در مقدمه ی لغت نامه ی دهخدا، در مورد فرهنگ و فرهنگ نگاری چنین آمده است:

لغت رایک نفر نباید بنویسد، زیرا لغت همه چیز است و همه چیز را همگان دانند و بنابر معروف همگان هنوز از مادرزاده اند و این لطیفه ای است که بر طبق آن باید همیشه جمعیت برای لغت باشد.

منبع: سخن سمت، فصلنامه مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت، سال دهم، شماره ی چهاردهم، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۴

Г. А. ВОСКАНЯН

С. Д. КЛЕВЦОВА

## РУССКО-ПЕРСИДСКИЙ СЛОВАРЬ

36 тысяч слов

Составили  
И. К. Овчинникова,  
Г. А. Фуругян,  
Ш. М. Вади

Под редакцией  
Али Асадуллаева  
и Л. С. Пейсикова

С приложением краткого очерка «Основные русско-персидские грамматические соответствия», составленного И. К. Овчинниковой

## РУССКО-ПЕРСИДСКИЙ СЛОВАРЬ

Учебный

Около 11 000 слов

Под редакцией Г. А. ВОСКАНЯНА

С приложением краткого очерка фонетики и морфологии русского языка

## РУССКО-ПЕРСИДСКИЙ СЛОВАРЬ

Около 30 000 слов



МОСКВА  
«РУССКИЙ ЯЗЫК»  
1986

## بررسی ساختارهای نحوی بیان احساس در زبان روسی

ساختارهای نحوی بیان احساس در زبان روسی در کتب و مقالات بسیاری از زبان‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است که از جمله می‌توان به مقاله تستلین (۱۹۷۶)؛ کتاب زلاتووا (۱۹۸۲)؛ مقالات گوشوفین (۱۹۹۷ و ۲۰۰۱) و همچنین کتاب چاگینا (۲۰۱۰) و غیره اشاره کرد.

”در زبان روسی معاصر احساسات و حالت عاطفی توسط گروهی از ساختارهای نحوی بیان می‌گردد که معمولاً شامل دو جز بنیادی «نهاد» و «گزاره‌ی بیان حالت» می‌باشد. اجزای گزاره در این ساختارها بوسیله اقسام کلام مختلفی که در معنای لغوی خود دارای مفهوم حالت هستند، بیان می‌گردد.“ [گوشوفین، ۱۹۹۷: ۵۴]

ساختارهای نحوی بیان احساس در زبان روسی دارای گروه بندی‌های مختلفی هستند که در این میان تستلین کامل‌ترین طبقه‌بندی را ارائه می‌دهد. تستلین این ساختارها را در هفت گروه زیر طبقه‌بندی می‌کند: (۱) مدل فعلی، (۲) مدل قیدی - مسندی، (۳) مدل اسمی، (۴) مدل صفتی، (۵) مدل حرف اضافه‌ای، (۶) مدل صفت فعلی، (۷) مدل استعاری. [تستلین، ۱۹۷۶: ۱۶۱]

زبان روسی معاصر از ساختارهای نحوی متنوعی برای بیان وضعیت روحی بهره می‌گیرد و هر یک از این ساختارها بار معنایی و سبکی متفاوتی را منتقل می‌کنند. تعدد این ساختارهای نحوی مترادف مشکلات فراوانی را برای زبان‌آموزان ایرانی در انتخاب ساختار مناسب در موقعیت‌های زبانی مختلف ایجاد می‌کند. در این مقاله به برخی تفاوت‌های ظریف معنایی و سبکی ساختارهای نحوی بیان احساس در زبان روسی می‌پردازیم. شایان ذکر است مقاله حاضر بر گرفته از فصل اول پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «ساختارهای مترادف نحوی برای بیان وضعیت روحی در زبان روسی و معادل‌های آنها به زبان فارسی» می‌باشد [فاطمه قنبری، ۱۳۹۶].

یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط و تعاملات اجتماعی بشر عواطف و احساسات اوست. بنابراین، توجه به رابطه عواطف و زبان امری ضروری است. همان‌طور که ماسلچکینا در مقاله خود می‌نویسد، در زبان‌شناسی از ابزارهای تمام سطوح زبانی، یعنی ابزارهای آواشناسی، واژگانی و دستوری برای بیان و انتقال احساس استفاده می‌شود. [ماسلچکینا، ۲۰۱۵: ۲۳۲]

مدل استعاری	مدل صفت فعلی	مدل حرف اضافه‌ای	مدل صفتی	مدل اسمی	مدل قیدی - مسندی	مدل فعلی
Меня охватило беспокойство; Меня томит беспокойство	Я обеспокоен	Я в беспокойстве	Я беспокоен	У меня беспокойство	Мне беспокойно	Я беспокоюсь
На меня находит грусть	—	—	Я грустен	У меня грусть	Мне грустно	Я грущу
Радость охватила меня	Я обрадован	—	Я рад	—	Мне радостно	Я радуюсь

گفتنی است که مدل های نحوی بیان کننده احساس در زبان روسی با توجه به ویژگی های واژگانی و دستوری از یک تا هفت ساختار متغیر است.

### ۱) مدل فعلی

یکی از پر بسامدترین ساختارهای نحوی بیان احساس در زبان روسی «جملات فعلی» است که در آنها اسم در حالت فاعلی همراه با فعل بیان کننده احساس می آید. این جملات از نظر معنایی نشان دهنده احساس بیرونی فاعل هستند. [چاگینا، ۲۰۱۰: ۵۵؛ تستلین، ۱۹۸۰: ۸۵]

برای مثال جمله "Он радуется как ребенок" به نوعی ژست یا حالت چهره که بیان کننده شادی و خوشحالی فاعل است نیز اشاره دارد و نمود بیرونی احساس را نشان می دهد.



### • *Мать испугалась и кричала.*

• مادر ترسید و فریاد کشید.

### ۲) مدل قیدی - مسندی

در ساختار جملات قیدی - مسندی، اسم (ضمیر) در حالت متممی (Д.п.) به همراه قید مسندی قرار دارد. در این گونه ساختارها گوینده بیشتر درباره حالات خصوصی و درونی فاعل صحبت می کند. اغلب این گونه ساختارها در شعرهایی که بیان کننده احساسات درونی و شخصی قهرمانان هستند، مشاهده می شود. ساختارهای قیدی - مسندی مفهوم احساس را مانند یک امر غیرارادی بیان می کنند. خلاف جملات فعلی که به فعال بودن فاعل اشاره دارند، جملات قیدی - مسندی به منفعل بودن فاعل اشاره می کنند. [چاگینا، ۲۰۱۰: ۵۶؛ تستلین، ۱۹۸۰: ۸۶]



### • *Я слушаю их, и мне не скучно.*

• من به حرف هایشان گوش می کنم و حوصله ام سر نمی رود.

### ۳) مدل اسمی

نوع دیگری از ساختارهای بیان حالت عاطفی، جملات اسمی هستند که بر ترکیب دو جزء استوارند: اسم در حالت حرف اضافه ای (Р.п.) با حرف اضافه *у* که در کنار اسم دیگر در حالت فاعلی (И.п.) قرار می گیرد. این ساختار نیز برای بیان حالت درونی فاعل به کار می رود و باید توجه داشت که فاعل در این نوع ساختارها منفعل است یعنی حالت عاطفی که رخ می دهد خارج از اراده و خواسته فاعل و کاملاً به صورت غیرارادی است. [تستلین، ۱۹۸۰: ۸۵؛ کروچکوا، ۲۰۰۴: ۳۳، ۸۷]



### • *Разве я могу быть минуту спокоен, зная, что у вас есть горе, которого я не разделяю?*

• خیال می کنید که اگر بدانم که شما غصه ای دارید که من در آن سهیم نیستم بتوانم یک دقیقه آرام باشم؟

### ۴) مدل صفتی

گروه دیگر ساختارهای نحوی، جملات اسمیه با صفت کوتاه هستند. در این مدل اسم در حالت فاعلی (И.п.) و صفت بیان کننده احساس به شکل کوتاه یا بلند دیده می شود. یکی از کاربردهای صفت کوتاه در زبان روسی بیان ویژگی های موقتی است. صفات کوتاه که برای بیان وضعیت عاطفی به کار می روند، به نوعی احساس موقت اشاره می کنند و اغلب نیز از قیدهایی مانند امروز (сегодня) و اکنون (сейчас) در

- *Мать всю эту зиму находилась в страшном беспокойстве и волнении.*
- مادر تمام زمستان را در نگرانی و اضطراب شدیدی سپری کرد.

### ۶) مدل صفت فعلی

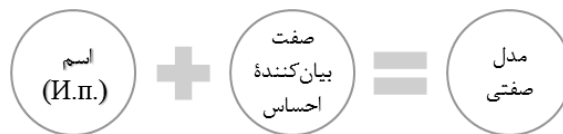
در مدل «صفت فعلی» معمولاً جزء بیان‌کننده احساس، صفت فعلی کوتاه مجهول ساخته شده از افعال متعدی است. البته گاهی اوقات به دلایل محدودیت‌های صرفی و سبکی از برخی افعال احساسی متعددی نمی‌توان صفت فعلی کوتاه مجهول ساخت. از نظر معنایی این گروه از جملات نشان‌دهنده حالات عاطفی هستند که برای آن‌ها علت و دلیلی وجود دارد یا به عبارتی دیگر دلیل و علت حالتی را که فاعل در آن قرار گرفته است بیان می‌کنند و گاهی اوقات نیز با قیده‌های بیان‌کننده علت همراه می‌شوند. [تستلین، ۱۹۷۶: ۱۷۸، ۱۷۷؛ آنتونوا، ۱۹۹۹: ۶۴]

- *Он так давно влюблен.*
- خیلی وقت است که عاشق شده است.

### ۷) مدل استعاری

در نهایت در این طبقه‌بندی می‌توان از جملات استعاری به‌عنوان گروه دیگری از ساختارهای نحوی بیان حالت عاطفی نام برد. کاربرد این مدل در متون ادبی بسیار متداول است. در مدل استعاری دنیای درونی انسان بر اساس تصویر دنیای خارجی و مادی شکل می‌گیرد. زمانی که درباره روش استعاری صحبت می‌کنیم، عبارات معمولی را در نظر داریم که برای تمام سخنگویان آن زبان آشنا و قابل فهم است. به گفته تستلین تعیین ویژگی‌های ساختاری دقیق برای این نوع جملات بسیار دشوار است و سطح وابستگی واژگانی در این عبارات بسیار زیاد است. [تستلین، ۱۹۷۶: ۱۶۴، ۱۶۵]

ساختار این گونه جملات استفاده می‌شود که خود نشان‌دهنده موقتی بودن احساس است. این گروه جملات به بیان برخی احساسات بیرونی تأکید دارند. [تستلین، ۱۹۸۰: ۸۵؛ تستلین، ۱۹۷۶: ۱۷۷]



- *Я могу обходиться без вас, я могу проходить мимо вас, я силен и горд.*
- من بدون شما هم می‌توانم سرکنم، من می‌توانم از کنار شما بگذرم، من قوی و مغرورم.

### ۵) مدل حرف اضافه‌ای

در این ساختار جزء بیان‌کننده احساس در حالت حرف اضافه‌ای (П.п.) با حرف اضافه B ساختار اصلی این جملات را تشکیل می‌دهد. این ساختار بیان‌کننده عمق احساسات عاطفی است و وضعیتی را ترسیم می‌کند که غوطه‌ور شدن فاعل در احساسی و یا دغدغه فاعل در این حالت را نشان می‌دهد. در این نوع جملات، اسمی که در نقش جزء بیان‌کننده احساس قرار می‌گیرد معمولاً بیان‌کننده احساسات منفی است و غالباً اسم‌هایی که در خود معنای شدت یک احساس را نیز دارند بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. از آنجایی که این ساختارها از نظر معنایی نشان‌دهنده عمق احساسات فاعل هستند، در این گونه جملات نمی‌توان از قیودی مانند: *некоторый*، *небольшой* استفاده کرد و در مقابل استفاده از قیده‌های بیان‌کننده میزان شدت پرکاربرد است. [گراسیمنکا، ۲۰۱۲: ۲۳۱-۲۳۰]





- ◇ Го Шуфэнь. Глагольная модель, обозначающая состояние субъекта // Язык, сознание, коммуникация.- М.: «Филология».- вып. 2. 1997. - С. 54-69.
- ◇ Золотова Г.А. Коммуникативные аспекты русского синтаксиса.- М.: Наука. 1982. – 368 с.
- ◇ Кожина М.Н. Стилистика русского языка. – М.: Просвещение. 1983. – 223 с.
- ◇ Крючкова Л.С. Русский язык как иностранный. Синтаксис простого и сложного предложения. – М.: Гуманит. 2004. — 464с.
- ◇ Маслечкина С.В. Выражение эмоций в языке и речи // Вестник Брянского государственного университета. -№ 3. 2015. С. 231-236.
- ◇ Санжеева Н. Р. Функционирование глаголов эмоционального состояния в повествовательном тексте // Вестник Челябинского государственного университета. - № 29 .2013.- С. 130–132.
- ◇ Цейтлин С.Н. Синтаксические модели со значением психического состояния и их синонимика // Синтаксис и стилистика.– М. 1976. – С.161- 181.
- ◇ Цейтлин С.Н. Способы выражения психического состояния субъекта в русском языке // Русский язык за рубежом. № 2. 1980. - С.84-87.
- ◇ Чагина О.В Как сказать иначе? синтаксическая синонимия в обучении иностранцев русскому языку.– М.: книжный дом (ЛИБРОКОМ). 2010. 192 с.

• *Меня охватил страх.*

• ترس برم داشت.

در زبان روسی ساختارهای نحوی بیان احساس علاوه بر تفاوت‌های معنایی که در بالا به آن‌ها پرداختیم از نظر سبکی نیز با هم متفاوت هستند. ساختارهای نحوی «قیدی-مسندی» و «حرف اضافه‌ای» بیشتر در زبان محاوره مورد استفاده قرار می‌گیرند، درحالی که مدل «صفت فعلی» در سبک کتابی دیده می‌شود. سایر مدل‌ها از نظر سبکی خنثی هستند و برای سبک مشخصی در نظر گرفته نشده‌اند. [تستلین، ۱۹۷۶: ۱۷۹؛ تستلین، ۱۹۸۰: ۸۷؛ کوژینا، ۲۰۰۸، ۱۱۴]

منابع:

- ◇ Антонова И.А. Материалы к парадигме предложений со значением эмоционального состояния/ отношения// Язык, сознание, коммуникация.– М.: Диалог-МГУ. Вып.7. 1999. - С. 57-70.
- ◇ Васканын Г.А. Русско-персидский словарь.– М.: АСТ: Восток Запад. 2012. 867 с.
- ◇ Ганбари Ф. Синонимичные синтаксические конструкции для выражения психического состояния в русском языке и их эквиваленты в персидском языке: магистерская диссертация. Тегеран: 2017. 148 с.
- ◇ Герасименко Н.А. Бисубстантивные предложения в русском языке: структура, семантика, функционирование.- М.: Изд-во МГОУ. 2012. 292 с.

## بررسی تطبیقی آداب گفتار روسی در موقعیت «دعوت» بازبان فارسی

معاشرت فرایندی است که در آن بیش از دو شخص مشارکت دارد: گوینده (فرستنده) و شنونده (گیرنده).“

”فرهنگ گفتاری بخشی از زبان شناسی است که به مسائل قاعده مند کردن گفتار می پردازد و توصیه هایی پیرامون استفاده کارآمد از زبان ارائه می دهد. فرهنگ گفتاری سه جزء دارد: نرماتیف (قوانین مقرر شده) (нормативный)، آداب (этикетный)، ارتباط (коммуникативный) عضو اخر نقش بسزایی در تحقق هدف معاشرت ایفا می کند.“ [شوکین، ۲۰۰۹]

”آداب (фр. etiquette – ярлык, этикетка) عبارت اند از مجموعه ی قوانین و هنجار های رفتاری که جلوه خارجی روابط فیما بین انسانی را تنظیم می کنند. در واقع بخش تشکیل شده ی فرهنگ بیرونی انسان و جامعه است و شامل رفتار با اطرافیان، کردار، سلوک می شود.“ [کانانکا، ۲۰۰۳]

نکته ی اساسی در ترجمه ی کلیشه های موجود در حوزه ی آداب از زبان مبدا به زبان مقصد، عدم ارائه ی ترجمه ی تحت الفظی از آنهاست. در واقع این کلیشه ها باید با توجه به قالب های آماده و موجود در زبان مقصد ترجمه شوند.

میان کلیشه های موجود در موقعیت «دعوت» در زبان روسی و فارسی به میزان قابل توجهی تناظر ساختاری و معنایی وجود دارد و تنها وجه تمایز آنها را می توان ساختار روسی **НЕ МОГУ ЛИ Я....** به شمار آورد که علی رغم ساختار منفی آن در زبان روسی، به صورت مثبت در زبان فارسی بیان می شود.

وجود فرهنگ های مختلف در یک جامعه سبب شده است تا آداب و رسوم آنها در موقعیت های گفتاری نسبت به سایر جوامع از تفاوت هایی برخوردار باشد که عدم آگاهی از این تفاوت ها ممکن است برای زبان آموزان هنگام برقراری ارتباط با جامعه مورد نظر، ایجاد مشکل کند.

با توجه به فرهنگ گوناگون جوامع مختلف، تحقیق در این زمینه از این جهت حائز اهمیت است که با بالا بردن آگاهی زبان آموزان، ضمن اینکه به آنها در استفاده ی درست از این ساختار ها یاری می رساند، آنها را از انجام اشتباهات در این زمینه برحذر می دارد. در این مطلب قصد داریم آداب گفتاری زبان روسی در موقعیت «دعوت» را بررسی کنیم. هدف از نگارش این مطلب آشنایی با شرایط مختلف دعوت در جامعه انسانی و ساختار هاییست که از آنها در برخورد با افراد مختلف در این موقعیت ها استفاده می شود.

اما پیش از هر چیز لازم است با مفهوم چند اصطلاح در این حوزه آشنا شویم.

”فرهنگ گفتار (Культура речи) وارد مفهوم معاشرت می شود. لذا پیش از هر چیز لازم است درک کنیم که معاشرت چیست، چه نقشی در زندگی انسان دارد و کارایی آن به چه چیزی بستگی دارد.

فعالیت گفتاری (معاشرت، عمل ارتباطی) از آنجا که بخشی از فعالیت اجتماعی انسان است، ماهیت اجتماعی دارد. هر فعالیت اجتماعی بدون معاشرت امکان پذیر نیست. علاوه بر این انواع فعالیت وجود دارد که بر پایه ی معاشرت تشکیل شده اند. شامل فعالیت معلمین، اساتید، وکلا، سیاستمداران، روزنامه نگاران، مدیران، تعداد زیادی از کادر خدماتی.

فرم خنثی: (Нейтральная форма)

Могу ли я пригласить вас...?	آیا می توانم شما را به... دعوت کنم؟	(Я) приглашаю вас (тебя) ...	شما (تو) را به... دعوت می کنم.
Не могу ли я пригласить вас...?	آیا می توانم شما را به... دعوت کنم؟	Я хочу пригласить вас...	من می خواهم شما را به... دعوت کنم.
Можно пригласить вас...?	ممکن است شما را به... دعوت کنم؟	Мне хочется пригласить вас...	دلم می خواهد شما را به... دعوت کنم.
Можно ли пригласить вас...?	آیا ممکن است شما را به... دعوت کنم؟	Я хотел бы пригласить вас...	می خواستم شما را به... دعوت کنم.
Нельзя ли пригласить вас...?	آیا نمی شود شما را به... دعوت کنم؟	Мне хотелось бы пригласить вас...	دلم می خواست شما را به... دعوت کنم.
Я могу пригласить вас к себе в воскресенье?	یکشنبه می توانم شما را به خانه ام دعوت کنم؟	Приглашаю вас в гости.	شما را به مهمانی دعوت می کنم.
Можно ли пригласить вас к нам на читательскую конференцию?	آیا می توانم شما را به کنفرانس مطالعاتی دعوت کنم؟	Я хочу пригласить вас в субботу в театр.	می خواهم شما را روز شنبه به تئاتر دعوت کنم.
Я хочу, чтобы мы (с вами) сходили...	می خواهم با شما به... بروم.	Мне хочется пригласить всех вас к себе на дачу.	دلم می خواهد همه ی شما را به خونه باغ خودم دعوت کنم.
Мне хочется, чтобы мы (с вами) сходили...	دوست دارم با شما به... بروم.	Пожалуйста...	بفرمایید... لطفا...
Я хотел бы, чтобы мы (с вами) сходили...	می خواستم با شما به... بروم.	Пожалуйста садитесь.	بفرمایید بنشینید.
Мне хотелось бы, чтобы мы (с вами) сходили...	دوست داشتم با شما به... بروم.	Угощайтесь себя, пожалуйста.	لطفا از خودتان پذیرایی کنید.
Нам было бы очень приятно, если бы вы остались с нами пообедать.	خیلی خوش حال می شویم اگر برای صرف نهار پیش ما بمانید.	Останьтесь, пожалуйста на обед.	لطفا برای نهار بمانید.
Не могли бы вы провести этот вечер с нами?	می توانید عصر را با ما بگذرانید؟	<b>فرم های رسمی: (Официальная форма)</b>	
<b>فرم غیر رسمی: (Неофициальная форма)</b>		Разрешите пригласить вас...	اجازه بدهید شما را به... فراخوانم.
		Позвольте пригласить вас...	بگذارید از شما به منظور... دعوت به عمل آورم.
		Я могу пригласить вас...?	می توانم شما را به... دعوت کنم؟
Приходи...	بیا...		

Ты не хочешь пойти ...?	نمی خواهی برویم...؟
Не хочешь ли ты пойти ...?	آیا نمی خواهی برویم...؟
Ты не хотел бы пойти ...?	نمی خواستی برویم...؟
Ты можешь ...	می توانی...؟
Ты не можешь ...	نمی توانی...؟
Можешь ли ты ...	آیا می توانی...؟
Не можешь ли ты...?	آیا نمی توانی...؟
Вы согласитесь пойти со мной...	موافقت با من بیایید...
Вы не согласитесь пойти со мной...?	موافقت نیستید با من بیایید...؟
Не согласитесь ли вы пойти со мной...?	آیا موافقت نیستید با من بیایید...؟
Хорошо бы...	خوب می شود...
Неплохо бы...	بد نیست...
Хорошо было бы...	خوب می شد...
Неплохо было бы...	بد نمی شد...
Хорошо бы сходить в музей.	خوب می شود برویم موزه.
Неплохо было бы сходить в театр.	بد نمی شد برویم تئاتر.

**فرم الزام آور: (Обязующая форма)**

Неплохо бы сегодня пообедать вместе.	بد نیست امروز باهم ناهار بخوریم.
Нужно было бы навестить Николая, он давно болеет.	لازم است به عیادت نیکولای برویم او مدت طولانی بیمار است.
Нужно...	لازم است...
Необходимо...	می بایست...
Надо/Нужно бы...	مصلحت این است...
Надо/Нужно было бы...	مصلحت این بود... لازم است...
Надо сходить на выставку, а то она закроеся.	باید به نمایشگاه برویم وگرنه تعطیل می شود.

Приезжай...	بیا...
Приходите к нам вечером на чашку чая.	عصر برای صرف چای پیش ما تشریف بیارید.
Приходи в воскресенье на стадион, посмотрим интересный матч.	یکشنبه بیا استادیوم بازی جالب را تماشا کنیم.

**فرم دوستانه: (Дружеская форма)**

Заходи...	سر بزن...
Забегай... (Забегу)...	سر بزن...
Заглядывай... (Загляни)...	سر بزن...
Ну, забегай при случае.	خب، سر فرصت سری به ما بزن.
Загляни как-нибудь.	یه روزی سر بزن.
Входи!	بیا!
Проходи!	بیا!
Входи!	بیا داخل!
Идем...	بریم...
Пойдем...	بریم...
Сходим...	بریم...
Давай сходим...	بزن بریم...
Пошли...	بریم...
Давай пойдем...	بزن بریم...
Идем в музей! Там интересная выставка.	بریم موزه! آنجا نمایشگاه جالبی است.
Пойдем в воскресенье на стадион!	یکشنبه بریم استادیوم!
Давайте сходим в театр!	بزن بریم تئاتر!
Пошли в кино!	بریم سینما!
Придешь ко мне?	میای پیشم؟
Пойдешь в кино?	میای سینما؟
Ты хочешь пойти ...?	می خواهی برویم...؟

(Я) не против.	مخالفتی ندارم.
Согласен(-сна).	موافقم.
Мы занимаемся уже больше трех часов. Отдохнем немножко? — Не возражаю.	ما بیشتر از ۳ ساعت کار کردیم. یکم استراحت کنیم؟ حرفی ندارم.
Не откажусь.	قبول می کنم.
Я не прочь.	بدم نیاید.
Я за.	موافقم.
Сходим в ресторан? — Я не прочь.	بریم رستوران؟ بدم نیاید.

پاسخ با تکرار فعل (Ответ с повторением глагола)

Сходим в кино? — Сходим.	بریم سینما؟ - بریم.
Споем? —Давайте.	آواز بخونیم؟ - بخونیم.
Договорились.	به توافق رسیدیم.
Идет.	باشه
Решено.	قبوله
—Пойдем в кино на пять часов? —А можно попозже? В пять я буду занята. —Ну тогда на семь. —Договорились.	- ساعت ۵ بریم سینما؟ - میشه دیرتر بریم؟ ساعت ۵ کار دارم. - خب در اون صورت ساعت ۷. - قبوله.

جواب شبهه دار (Сомнительный ответ)

Пожалуй.	شاید
(А) почему бы и нет?	چرا که نه

Неплохо было бы, если бы вы зашли.	بد نبود اگر شما به ما سر می زدید.
Хорошо было бы, если бы мы сходили...	خوب می شد اگر ما می رفتیم...
Было бы совсем неплохо, если бы мы пообедали сегодня в ресторане.	شاید بد نبود اگر امروز تو رستوران ناهار می خوردیم.
Хорошо было бы, если бы мы сходили на выставку.	خوب می شد اگر به نمایشگاه می رفتیم.

فرم بی تکلف: (Непринужденная форма)

Сходим (в кино)?	بریم سینما؟
Пообедаем (вместе)?	باهم ناهار بخوریم؟
Погуляем?	بریم گردش؟
Почитаем стихи?	شعر بخونیم؟
Посидим на скамеечке?	روی نیمکت بنشینیم؟
Придешь ко мне?	پیش من میای؟

پاسخ به دعوت (Ответ на приглашение)

Спасибо!	ممنون!
	متشکرم!
	سپاسگزارم!
С удовольствием (приду)!	با کمال میل میام!
С большим удовольствием!	با کمال میل!
С радостью!	با کمال میل!
Охотно!	با کمال میل!
Конечно!	البته!
Хорошо.	باشه.
(Я) не возражаю.	من حرفی ندارم.

جواب مبهم: (Неопределенный ответ)

Может быть...	شاید...
Возможно...	ممکن است...
Наверное...	شاید...
Вероятно...	احتمالاً...
По-видимому...	ظاهراً...
Не знаю.	نمی دانم.
Не знаю, смогу ли.	نمی دانم آیا می توانم یا نه.
Не знаю, смогу ли прийти (пойти).	نمی دانم آیا می توانم بیایم یا نه.
Приходи ко мне вечером. — Может быть, приду. (Не знаю, смогу ли.)	عصر بیا پیشم. شاید بیام. (نمی دانم آیا می توانم یا نه)

جواب منفی: (Отрицательный ответ)

К сожалению, я не могу...	متأسفانه نمی توانم...
К сожалению,...	متأسفانه...
С удовольствием, но не могу, если вас устроит, я мог бы заехать в пятницу.	با کمال میل اما من نمی توانم. اگر برایتان مقدور است من جمعه خدمت برسم.
Спасибо, но к сожалению не могу, у меня уже назначена встреча на это время.	ممنون اما متأسفانه نمی توانم. در این زمان برای من قرار ملاقاتی در نظر گرفته شده است.
Как жаль! У меня в это время встреча. А может быть завтра?	حیف! در این زمان من قرار ملاقات دارم. فردا امکانش هست؟

منابع:

- ◇ Большой толковый словарь по культурологии. Кононенко Б.И. 2003 г.
- ◇ Восканян Г. А. Русско-персидский словарь. - Т.: Пекарус, 2013 г.
- ◇ Культура речи: Серия «Учебники, учебные пособия». Ростов /Д: Феникс, 2001 г.
- ◇ Новый словарь методических терминов и понятий (теория и практика обучения языка) –М: ИКАР. Э. Г. Азимов, А. Н. Щукин. 2009 г.
- ◇ Формановская Н. И. и др. Речевой этикет: Русско-английские соответствия. - М.: Высшая школа, 1990 г.
- ◇ Формановская Н. И. и др. Речевой этикет: Русско-итальянские соответствия. - М.: Высшая школа, 1992 г.
- ◇ Формановская Н. И. и др. Речевой этикет: Русско-немецкие соответствия. - М.: Высшая школа, 1992 г.
- ◇ Формановская Н. И. и др. Речевой этикет: Русско-португальские соответствия. - М.: Высшая школа, 2004 г.
- ◇ Формановская Н. И. и др. Речевой этикет: Русско-французские соответствия. - М.: Высшая школа, 1989 г.
- ◇ <https://www.vajehyab.com>
- ◇ دهخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ◇ عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

## بررسی تغییرات زبانی وام‌واژه‌های روسی در گویش ایرانی زبان آذربایجانی

«ق» در ترکی آذری (مانند бочка و «بوشقا»؛ дрожки و «دوروشقا») اشاره کرد.

معنی	وام‌واژه در آذربایجانی	اصل روسی واژه
گوجه فرنگی	بامادور	помидор
استکان	استکان	стакан
جیب بر	جولیک	жулик

گاه تغییرات وام‌واژه‌ها ممکن است در سطح دستور زبان باشد. برای مثال، بسیاری از واژگانی که در زبان روسی دارای جنس مؤنث و نشانه تأنیث هستند، هنگام ورود به زبان آذربایجانی جنس و نشانه تأنیث خود را از دست می‌دهند، مانند:

معنی	وام‌واژه در آذربایجانی	اصل روسی واژه
(دستمال کاغذی) توری یا پارچه که روی میز یا طاقچه می‌اندازند.	سالفئت	салфетка
ماهی کیلکا	کیلکه	килька
قایق	لوتکه	лодка

همچنین برخی از واژه‌های روسی مانند дрожки که در زبان روسی دارای شمار جمع است، در زبان آذربایجانی به صورت مفرد «دوروشقا» به کار می‌رود.

از سوی دیگر، وام‌واژه‌های روسی که وارد زبان آذربایجانی شده‌اند، در بسیاری از موارد با پذیرفتن و ترکیب شدن با پیشوند و پسوندهای فارسی و آذربایجانی به مبنایی برای ساخت واژه‌های تازه‌ای تبدیل می‌شوند. برای مثال، از واژه «پودرات» گرفته‌شده از (подрядчик) به معنای «مقاطععه، پیمان کاری» در زبان آذربایجانی واژه‌های دیگر نیز ساخته شده است:

پودرات چی: مقاطعه کار، پیمان کار، کنتراتیچی

پودرات چیلیق: مقاطعه کاری، پیمان کاری

پودرات گوتورمک: کنترات کردن، مقاطعه کردن

واژه «زامازکا» (گرفته‌شده از замазка) به معنای «بتونه،

میان زبان‌ها و گویش‌های رایج در دو کشور ایران و روسیه نیز از دیرباز به علت همجواری شاهد روابط زبانی گسترده و وام‌گیری‌های واژگانی فراوان بوده‌ایم. زبان‌های ایرانی و اسلاوی عضو خانواده زبان‌های هندواروپایی و دارای وجوه اشتراک و همانندی‌های ساختاری و واژگانی‌اند. واژه‌های مشترک زبان‌ها حاکی از واقعیات گوناگون‌اند؛ از جمله خویشاوندی یا اشتراک در کهن‌الگوها، اشتراک در وضع، مشابهت الگویی از ریشه‌ای واحد و با عناصر ساختاری واحد، وام‌گیری مستقیم یا از طریق زبان واسط. ضمناً شباهت صوری واژه‌ها همواره دال بر هم‌ریشه بودن آنها نیست و چه بسا تصادفی باشد.

از سوی دیگر، غیر از زبان معیار فارسی بسیاری از گویش‌ها و زبان‌های رایج در ایران نیز، به ویژه در مناطق شمالی هم‌مرز با نواحی روس‌زبان، به طور مستقل واژه‌هایی را از زبان روسی وام گرفته‌اند که گاه ممکن است نشانی از این وام‌گیری در زبان فارسی یافت نشود. از جمله این زبان‌ها و گویش‌ها می‌توان به مازندرانی، گیلکی و آذربایجانی اشاره کرد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا کم‌وکیف این وام‌گیری واژگانی در گویش ایرانی زبان آذربایجانی مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی این کلمات می‌توان از روند تاثیر همسایگان روس‌زبان بر زبان آذربایجانی شناخت بهتری به دست آورد و نکاتی را در مورد تاریخچه روابط زبانی و فرهنگی دو ملت روشن ساخت.

در ضمن فرایند وام‌گیری، واژگان قرضی ممکن است دچار تغییراتی در سطوح مختلف زبانی (آوایی، دستوری، معنایی و...) نیز بشوند. در ادامه به بررسی برخی از نمونه‌های این تغییرات می‌پردازیم.

به علت تفاوت‌های بارز نظام‌های آوایی دو زبان روسی و آذربایجانی، بسیاری از واژه‌هایی که از زبان روسی وارد زبان آذربایجانی می‌شوند، تغییراتی در شیوه تلفظ پیدا می‌کنند تا بر زبان آوردنشان برای گویشوران زبان وام‌گیرنده آسان‌تر شود. برای مثال، می‌توان به تغییر واج Ц روسی به Ч در زبان آذربایجانی (مثلاً در واژه царь و «چار»)، царица و «چارچه» царский و «چاریزم») یا واج К روسی به

زاموسکا»

زامازکا لاتماق: توسط دیگری بتونه کردن

زامازکا لانماق: بتونه شدن

زامازکاچی: بتونه کار

زامازکالاماق: بتونه کاری کردن

با نگاهی به این واژگان اشتقاقی می‌توان دریافت که شماری از وندهای فارسی مانند «=چی» قابلیت ترکیب‌پذیری گسترده‌تری با وام‌واژه‌های روسی دارند:

بوچکاچی: بشگه ساز

بودکاچی: دکه دار

پولیموت چی: مسلسل انداز، مسلسل چی

برخی از وام‌واژه‌های روسی در زبان آذربایجانی حتی به اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها نیز راه پیدا کرده است. این نکته بدان جهت جالب توجه است که این گروه از عبارات که ساختار ثابت خود را دارند، معمولاً در برابر تغییرات واژگانی مقاومت نشان می‌دهند و به حفظ ساختار کهن خود تمایل دارند. راه یافتن وام‌واژه‌ها به ساختار اصطلاحات و تعبیرات و ضرب‌المثل‌ها نشان از سطح بالای بومی‌سازی معنایی (семантическое освоение) وام‌واژه‌ها دارد. برای مثال اصطلاح «چاشکا لوشکا»، (Чашка) در زبان آذربایجانی هم به معنای مستقیم «فنجان و قاشق» و هم به معنای مجازی «زد و بند، خیلی نزدیک به هم، وابسته به هم» به کار می‌رود. یا واژه «آرشین» در ضرب‌المثل‌های زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

ائله بیل آرشین اودوب: مثل این که عصا قورت داده، آدمی که شق و رق راه برود.

اوز آرشینی ایله اوچمک: با متر خود اندازه کردن، یک جانبه و از دیدگاه خود قضاوت کردن

بسیاری از وام‌واژه‌های روسی به اشعار آذربایجانی نیز راه یافته‌اند:

واژه «سالدات» (برگرفته از СОЛДАТ) به معنای «سرباز»:

دورد بیر دوره میزی سالداتلار آلدی / قلعه لر اوجالدی، قارانلیق  
سالدی

واژه «سماور، سماوار» (برگرفته از: самовар)

شجاع خالو غلنونون باکی سو وقتی / دامدا قوران سماواری، صحبتی

حیدر بابا، آمیر حیدر نئيله بیر / یقین گینه سماوری قئینه بیر

### نتیجه‌گیری

در مجموع، درباره فرایند وام‌گیری واژگانی گویش ایرانی زبان آذربایجانی از زبان روسی می‌توان چند نتیجه کلی گرفت:

۱. واژه‌های وام‌گرفته در فرایند انطباق خود با زبان مقصد بیش از هر چیز در معرض تغییرات آوایی و واجی بوده‌اند و نمونه‌های درگونی دستوری یا معنایی بسیار کم‌شمارتر بوده است. در میان تغییرات آوایی، تبدیل واج‌های «ک» و «گ» به «ق»، تبدیل واج «ژ» به «ج»، تبدیل واج «تس» به «چ» و حذف واژه [a] در هسته هجای باز پایانی جنبه سیستماتیک دارند و بیش از بقیه مشاهده می‌شوند. در میان تغییرات دستوری تبدیل صورت جمع به مفرد و در میان تغییرات معنایی کاربرد واژه در معانی مجازی بیشترین بسامد را دارند.

۲. شمار فراوان صورت‌های واژگانی مشتق از وام‌واژه‌های روسی نشانگر زایایی این وام‌واژه‌ها و قابلیت زبان آذربایجانی برای ساخت واژه‌های تازه از طریق ترکیب واژه‌های بیگانه با پسوندها و عناصر بومی است.

۳. با بررسی موضوعی وام‌واژه‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر این واژه‌ها در قلمرو «عینیات» قرار می‌گیرند و به اشیا و ابزار و لوازم زندگی روزمره مربوط می‌شوند و احتمالاً به همین دلیل هم هست که به سرعت رنگ‌وبوی «بومی» به خود گرفته‌اند، تا جایی که به فراوانی وارد فرهنگ عامه ترک‌زبانان ایران نیز شده‌اند.

برگرفته از پایان‌نامه: بررسی فرآیند های بومی سازی

وام واژه های روسی در گویش ایرانی زبان آذربایجانی،

فاطمه همتی پویا، استاد راهنما: دکتر آبتین گلکار، استاد

مشاور: دکتر میریلا احمدی، ۱۳۹۴، تهران، دانشگاه تربیت

مدرس، دانشکده ی علوم انسانی، گروه زبان روسی



## تجزیه و تحلیل تطبیقی انواع اصلی مجاز مرسل در زبان های روسی و فارسی

که از جنس طلاست که به دلیل مجاورت طلا و مدالی از جنس آن به صورت مجازی به کار رفته است. اما جایگاه مجاز مرسل در این دو زبان متفاوت است: در زبان روسی مجاز مرسل در چارچوب علم زبان شناسی و در زیرمجموعه ی علم واژه سازی بررسی می شود. در مقایسه، مجاز مرسل در زبان فارسی در علم بیان، زیرشاخه ی علم بلاغت مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. بر همین اساس، مجاز مرسل در زبان فارسی بیشتر در حوزه های ادبی و توسط کارشناسان علم بیان مورد بررسی قرار گرفته است، بنابراین منحصر به سبک ادبی است، در حالی که بررسی های آن در زبان روسی به صورت گسترده تر و در سبک های مختلف انجام شده است. در این کار تحقیقی با تکیه بر مثال های روسی سعی شد تا حد امکان میزان کاربرد مجاز مرسل در سبک های مختلف زبان فارسی مورد تحلیل قرار بگیرد و نقاط تشابه و تفاوت انواع آن در زبان های روسی و فارسی مشخص شود. در جریان کار ۲۸ نوع اصلی در انتقال معنا بر اساس مجاورت به دست آمد و سرانجام ۲۲ نوع مجاز مرسل در سبک های مختلف برای زبان فارسی فهرست بندی شد که در ادامه به چند مورد از این مثال ها اشاره می کنیم:

مجاز از محل به محتوی در مثال کتری جوش آمد. همانگونه که پیداست منظور از جوشیدن بدنه ی کتری نیست، بلکه آب درون آن مد نظر است که به علت هم نشینی و مجاورت با خود کتری به صورت مجاز مرسل به کار رفته است.

هم چنین در مثال من پوشکین را میخوانم. یا من حافظ را از بر هستم. منظورمان خود نویسنده نیست، بلکه آثار منتشر شده از آن شاعر یا نویسنده است.

برگرفته از پایان نامه: *تجزیه و تحلیل تطبیقی انواع اصلی*

*مجاز مرسل در زبان های روسی و فارسی، فاطمه سادات میرلوحی، استاد راهنما: دکتر هادی بهارلو، استاد مشاور: دکتر آبتین گلکار، ۱۳۹۷، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ی علوم انسانی، گروه زبان روسی*

در بسیاری موارد برای درک بهتر مفهوم متون و همچنین برقراری ارتباط کامل تر با اهل زبان در سبک های کاربردی مختلف، آشنایی با معانی مجازی کلمات از اهمیت زیادی برخوردار است. معانی مجازی از معنای اصلی کلمه و بر اساس انواع مختلف روابط معنایی به وجود می آیند، که از مهم ترین آنها می توان به اشتقاق استعاری و مجاز مرسل اشاره کرد. برای مثال در هر دو زبان می توان برای بیان اعضای یک کلاس یا یک کارخانه، خود آن کلاس یا کارخانه را به کار برد. مثلاً در جمله ی کلاس به صدا در آمد یا کارخانه از مدیر استقبال کرد منظور اعضای آن کلاس یا کارخانه است.

این کار پژوهشی بر روی تعیین مفهوم مجاز مرسل، جمع آوری تقسیم بندی های مختلف آن و دستیابی به طبقه بندی جامعی از پرکاربردترین انواع آن در زبان های روسی و فارسی متمرکز است. در جریان بررسی های یاد شده، نتایج تحقیقات زبان شناسان روس و ایرانی در بررسی انواع اصلی مجاز مرسل از نقطه نظرهای مختلف گردآوری شده و به صورت تطبیقی در دو زبان مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه با تکیه بر منابع مورد مطالعه پیکره ای متشکل از ۲۰۰ مثال در زبان های روسی و فارسی تشکیل شد. بررسی مثال های پیکره نشان دهنده ی این است که انواع اصلی مجاز مرسل در زبان های روسی و فارسی از نظر میزان تطابق در سه سطح تطابق کامل، تطابق نسبی و عدم تطابق قابل دسته بندی هستند. علاوه بر آن طبق مثال های مورد آنالیز، ۱۲ نوع مجاز مرسل برای زبان فارسی و ۳ نوع برای زبان روسی پیشنهاد شده است.

### نتیجه گیری

بررسی های انجام شده در پایان نامه ی مورد نظر نشانگر آن است که در زبان روسی و فارسی مفاهیم نزدیکی برای تعریف مجاز مرسل وجود دارد: انتقال معنا براساس مجاورت. این مجاورت به دلیل نزدیکی معنای اصلی و معنای مجازی است. برای مثال در جمله ی ایران طلا گرفت، منظور مدالی است.

# نگاهی به فعالیت های کمیته ی فرهنگ نگاری

## مصاحبه با دکتر هادی بهارلو، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس



پژوهشی در حوزه فرهنگ نگاری بود. هدف اصلی از تشکیل این کمیته ایجاد مرکزی برای تجمیع فعالیت های فرهنگ نگاری و افراد علاقه مند به این حوزه و همچنین تبادل اطلاعات در این حوزه است. در حال حاضر مرکز اصلی این کمیته در گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس قرار دارد و حدود پنجاه نفر از دانشگاه ها و گروه های مختلف عضو این کمیته هستند.

### • استقبال اساتید و دانشجویان از کمیته فرهنگ نگاری را چطور می بینید؟

استقبال از کمیته فراتر از آن چیزی است که بنده در ابتدا تصور می کردم. از همان ابتدای آغاز به کار کمیته، یکی از دغدغه های اصلی بنده دقیقا همین موضوع مورد پرسش شما بود که استقبال اولیه ای از این کمیته، تداوم دارد یا مشمول مرور زمان می شود و با طولانی و عادی شدن فعالیت ها رفته رفته این استقبال کم رنگ می شود. اما امروز خوشحالم که با افتخار بگویم کمیته فرهنگ نگاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی از محدوده ی زبان روسی و گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس بسیار فراتر رفته و شاهد استقبال از آن در سطوح کلانتر و فراتر از حد تصور اولیه هستیم. به گونه ای که در حال حاضر افتخار همکاری با اعضای از گروه های زبان فارسی، زبان عربی، زبان شناسی از دانشگاه های الزهراء، آزاد، تربیت مدرس در فعالیت های کمیته داریم.

### • شرایط عضویت در این کمیته چیست و آیا دانشجویان دانشگاه های دیگر در هر سطح آموزشی می توانند در این کمیته عضویت داشته باشند؟

عضویت در کمیته فرهنگ نگاری هیچ محدودیتی ندارد. البته اعضای مختلف بسته به میزان تحصیلات و نوع فعالیت ها می توانند در سطوح مختلفی به عضویت کمیته در بیایند که الزامات آن در اساس نامه بارگذاری شده ی کمیته در سایت کمیته فرهنگ نگاری به نشانی [www.farhangnegari.ir](http://www.farhangnegari.ir) ارائه شده است. دانشجویان از هر دانشگاه و رشته تحصیلی می توانند عضو کمیته شوند، اگرچه در اساس نامه اولیه عضویت در انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی به



### • با توجه به اینکه شما سرپرست کمیته فرهنگ نگاری هستید لطفا جهت آگاهی خوانندگان نشریه در ابتدا کمی در مورد خودتان صحبت کنید؟

به نام خدا. هادی بهارلو هستم. عضو هیات علمی گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس. از سال ۱۳۹۲ در این گروه مشغول به کار هستم. البته بنده این افتخار را داشتم که پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران، در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس در محضر اساتید بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدی و سرکار خانم دکتر احمدی تحصیل کنم. بعد از فارغ التحصیلی در مقطع ارشد نیز برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به مسکو و دانشگاه دولتی مسکو رفتم و از زمان فراغت از تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت هستم.

### • لطفا درباره زمان شکل گیری کمیته، اعضای آن و اهداف و برنامه های کمیته توضیحاتی ارائه بفرمایید.

کمیته فرهنگ نگاری از سال ۱۳۹۶ به عنوان یکی از کمیته های زیرمجموعه انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی مشغول به فعالیت است. تشکیل کمیته های زیرمجموعه در دستورالعمل فعالیت های انجمن ها در وزارت علوم به تصویب رسیده است. در دوره جدید فعالیت انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی نیز پیش از این کمیته های آموزش، پژوهش و روابط بین الملل تشکیل شده بود. انگیزه و پشتوانه اصلی برای تشکیل کمیته فرهنگ نگاری تجربه حدود پانزده ساله گروه زبان روسی در نگارش پایان نامه ها و کارهای

## برخوردار خواهند شد؟

مهمترین دستاوردی که کمیته برای اعضای آن خواهد داشت، آشنایی با اطلاعات روز و آخرین دستاوردهای پژوهشی، تئوریک و کاربردی در حوزه فرهنگ نگاری است. در حال حاضر فعالیت های کمیته در دو شکل اصلی در حال پیگیری هستند: شکل اول شامل جلسات هم اندیشی و دوره‌می که معمولاً ماهی حداقل یک بار برگزار می شوند و در آنها درمورد فعالیت های کمیته برنامه ریزی و تقسیم کار می کنیم، ضمن این که در جریان این جلسات به تبادل اطلاعات و تجربیات اعضا نیز پرداخته می شود. شکل دوم برنامه های کمیته شامل نشست ها و کارگاه های مختلف است که قصد داریم میانگین یک برنامه در ماه را همچنان حفظ کنیم. حضور در هر دو شکل برنامه ها کاملاً آزاد است، مگر درموردی که برای شرکت نیاز به ثبت نام باشد، که در این صورت از طرف بخش اجرایی کمیته از پیش اعلام می شود.

ضمناً اگر استاد یا دانشجویی طرحی برای برگزاری کارگاه یا نشست داشته باشد، با کمال میل استقبال و پشتیبانی خواهیم کرد.

همچنین در برگزاری کارگاه ها و نشست هایی که نیاز به ثبت نام و پرداخت هزینه دارند، همواره برای اعضای کمیته تخفیف هایی در نظر گرفته می شود.

- با توجه به اینکه طبق فرمایش شما از زمان تاسیس کمیته فرهنگ نگاری بیش از دو سال می گذرد آینده این کمیته را چطور می بینید و برای آینده چه برنامه هایی دارید؟

آینده کمیته را علاقه و انگیزه دانشجویان و افراد علاقه مند به این حوزه تعیین می کند. تا زمانی که شور و انگیزه کنونی در گروه وجود داشته باشد، می توان با خیال راحت برای فعالیت های بیشتر برنامه ریزی کرد. فعالیت های کمیته تا به امروز نیز از این فائده مستثنی نبوده است: برگزاری بیش از بیست نشست و کارگاه که نقطه عطف آن ها همایش فرهنگ نگاری دوزبانه بود، دستاورد بسیار بزرگی برای دو سال فعالیت است که حتماً ماحصل تلاش بی چشم داشت علاقه مندان این حوزه بویژه در گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس در کنار راهنمایی ها و پشتیبانی های جناب آقای دکتر محمدی بوده است.

برای آینده اهداف کمیته را در سه حوزه یاد شده آموزشی،

عنوان یکی از الزامات اولیه مطرح شده بود، اما به نظر می رسد با فرا رفتن کمیته از محدوده گروه های زبان روسی مجبوریم تا حدی در این امر نرمش داشته باشیم و از این الزام عدول کنیم.

- آیا کمیته فرهنگ نگاری تنها به موضوعات مرتبط با زبان روسی می پردازد و یا رشته های دیگر را نیز شامل می شود؟

یکی از اهداف اولیه کمیته، انتقال اطلاعات بسیار گرانقدر موجود در زبان شناسی روسی در حوزه فرهنگ نگاری به داخل ایران بود. اما در حال حاضر با توجه به عضویت اساتید، دانشجویانی از گروه های زبان شناسی، زبان فارسی، زبان عربی و زبان فرانسه می توان گفت حیطه فعالیت تنها محدود به زبان روسی نیست.

- به نظر شما کمیته فرهنگ نگاری تا چه حد توانسته به اهداف اولیه ای که برای آن در نظر گرفته بودید، دست پیدا کند.

اهداف اولیه کمیته در سه حوزه اصلی آموزشی، پژوهشی، کاربردی تقسیم بندی شده بودند. فعالیت های آموزشی شامل برگزاری نشست ها و کارگاه ها می شود؛ فعالیت های پژوهشی ناظر بر تعریف پایان نامه ها و کارهای پژوهشی است و فعالیت های کاربردی دربرگیرنده ترجمه و نگارش کتب مربوط به حوزه فرهنگ نگاری و همچنین تدوین انواع فرهنگ های مورد نیاز دانشجویان و مترجمان زبان روسی است.

در بخش آموزش به نظرم کمیته بسیار موفق عمل کرده و با برگزاری بیش از ۲۰ جلسه نشست و کارگاه، کاملاً اهداف این حوزه محقق شده است. همچنین با برگزاری همایش ملی فرهنگ نگاری دوزبانه که کار به واقع بسیار سنگینی بود، در این زمینه حتی از سطح برنامه ریزی های اولیه فراتر هم رفته ایم. ضمن این که روند میانگین یک برنامه در ماه همچنان ادامه دارد.

در بخش پژوهشی با تعریف حدود ۱۰ پایان نامه و رساله ارشد و هدایت افراد علاقه مند به این حوزه فکر می کنم به موفقیت نسبی دست یافته ایم.

در بخش کاربردی طبیعتاً رسیدن به اهداف کمی زمان بر است. از ابتدا این موضوع را مدنظر قرار گرفتیم. از این رو رسیدن به بخش کاربردی برای سال سوم به بعد برنامه ریزی شده بود. در این بخش نیز اهداف کاملاً در حال تحقق هستند و در سال جاری حداقل دو فرهنگ و در سال آینده یک فرهنگ و یک کتاب در حوزه فرهنگ نگاری به مرحله چاپ خواهند رسید که برای چاپ آنها نیز توافق هایی انجام شده است.

- دانشجویان و اساتید با عضویت در کمیته از چه مزایایی

ایرانی وجود دارد، که متأسفانه مغفول مانده است؛ نشان داد که در محیطی که دوستی و صمیمیت برقرار باشد، می توان با کمترین امکانات به دستاوردهایی بزرگ دست پیدا کرد. از این نظر فکر می کنم فعالیت های کمیته مثال زدنی باشد. همان طور که پیش تر نیز متذکر شدم بقای کمیته وابسته به انگیزه و تلاش دانشجویان و علاقه مندان این حوزه است، که امیدوارم همواره شامل حال کمیته فرهنگ نگاری باشد.

به نظرم این کمیته می تواند الگویی برای انجام فعالیت های مشابه باشد.

پژوهشی و کاربردی، با گرایش بیشتر به سمت کاربردی کردن فعالیت ها ادامه می دهیم. ضمن این که روند فراگروهی کردن کمیته، تلاش برای تاسیس انجمن فرهنگ نگاری، راه اندازی مجله مخصوص حوزه فرهنگ نگاری نیز از جمله اهداف کلان تری هستند که رفته رفته در حال ایجاد مقدمات جهت نیل به آنها هستیم.

### • و سخن آخر ...

سخن آخر حتما باید تشکر و قدردانی از افرادی باشد که در طول این دو سال از کمیته فرهنگ نگاری حمایت کرده اند. موفقیت های کمیته نشان داد که چه توان بالقوه بالایی در دانشجویان و جوانان



نشست «بررسی اطلاعات معنایی در فرهنگ ها» با حضور خانم دکتر فریبا فطره، ۲۷ آذر ۱۳۹۶



نخستین جلسات شکل گیری کمیته فرهنگ نگاری



چهارمین نشست تخصصی کمیته فرهنگ نگاری با عنوان «لزوم توجه به کاربر در طراحی فرهنگ» با حضور خانم دکتر ساغر شریفی، ۲۸ مهر ۱۳۹۸



برنامه بازدید از فرهنگستان زبان ادب فارسی، ۱۱ آذر ۱۳۹۷



## درخشش انجمن علمی دانشجویی زبان روسی در جشنواره داخلی حرکت

با کمال مسرت به اطلاع می‌رساند، انجمن علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس بار دیگر در جشنواره دانشگاهی حرکت خوش درخشید.



۱. کسب مقام نخست در بخش انجمن خلاق

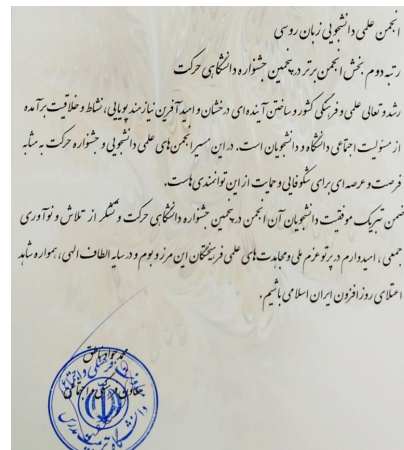
۲. کسب مقام دوم در بخش انجمن برتر

با کمال مسرت، کسب این افتخار را به استادان و دانشجویان گروه زبان روسی تبریک و تهنیت عرض می‌نماییم.

به امید درخشش بیشتر در برنامه‌های آتی در سطح ملی و بین‌المللی

میانمار لول؛ دبیر انجمن علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس

جشنواره حرکت، جشنواره انجمن‌های علمی دانشجویی می‌باشد که همه ساله در سطح ملی و درون دانشگاهی برگزار می‌گردد. در این جشنواره فعالیت‌ها و آثار سالانه انجمن‌های علمی بررسی و داوری می‌گردند و نهایتاً در روز برگزاری برنامه، برترین‌ها معرفی می‌گردند. در سال جاری این جشنواره در تاریخ‌های ۱۴ و ۱۵ مهر ماه برگزار گردید و انجمن علمی دانشجویی زبان روسی موفق به کسب دو مقام و دریافت لوح و تندیس جشنواره گردید:



## گزارش همایش ملی فرهنگ‌نگاری دوزبانه



فرهنگ‌نگاری به طور عام و فرهنگ‌نگاری دوزبانه به طور خاص در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد، پیشرفت‌ها و دستاوردهای این علم در طول دهه‌های گذشته نقش مهمی در غنی‌تر شدن آن ایفا کرده و این امر همواره مورد توجه محققان و دانش‌پژوهان قرار گرفته است.

ماهیت بین‌رشته‌ای و کاربردی فرهنگ‌نگاری همواره توجه مخاطبان مختلف با حوزه‌های تخصصی گوناگون را به خود جلب می‌کرد. تنوع فرهنگ‌های لغت‌دو‌زبانه در ایران در حوزه‌های عمومی و تخصصی بر اهمیت و نقش آنها حکایت دارد. این تنوع و گستردگی ما را برآن داشت محفلی علمی در راستای معرفی هرچه بیشتر این علم برگزار نماییم.

همایش ملی فرهنگ‌نگاری دوزبانه با همکاری گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، انجمن زبان و ادبیات روسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و انجمن علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس در نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در این دانشگاه برگزار شد.

هدف از این همایش ایجاد محیطی علمی برای تبادل اطلاعات در حوزه‌های فرهنگ‌نگاری و آشنایی با آخرین دستاوردهای علم زبان‌شناسی در این حوزه، و کمک به بهره‌برداری از این دستاوردها در جهت رفع نیاز کاربران فارسی‌زبان به انواع فرهنگ‌های دو‌زبانه بوده است.

براساس این اهداف به کمک کمیته علمی و تخصصی همایش، محورهای همایش شامل موارد زیر تهیه و تنظیم گردیدند:

- کاربردهای فرهنگ‌های دوزبانه در آموزش زبان
- نقد و بررسی فرهنگ‌های دوزبانه و چندزبانه
- بررسی رده‌بندی، ساختار و محتوای فرهنگ‌های دو‌زبانه
- شیوه‌ها و روش‌های فرهنگ‌نگاری دوزبانه
- چالش‌ها و چشم‌اندازهای فرهنگ‌نگاری دوزبانه
- نقش پیکره‌ها در فرهنگ‌نگاری دوزبانه و فرهنگ‌نگاری الکترونیکی
- فرهنگ‌نگاری نظری (فرا فرهنگ‌نویسی)
- فرهنگ‌نگاری تخصصی
- پذیرش و گزینش مقالات از ۶ ماه پیش تاریخ همایش توسط یک کمیته علمی متشکل از اساتید محترم گروه‌های مختلف زبان‌شناسی و زبان روسی و جمعی از متخصصین فرهنگ‌نگاری به سرپرستی دکتر محمدرضا محمدی و دکتر هادی بهارلو انجام شد.
- در این همایش حدود ۶۰ مقاله از ۲۲ دانشگاه از سراسر ایران در



موضوع «پیکره های موازی و فرهنگ نگاری دوزبانه: از نظریه تا کاربرد» برگزار گردید.

سخنرانی های اصلی صبح در یک پنل و بعدازظهر در دوپنل موازی برگزار گردید در طی یک روز ۳۰ مقاله علمی-پژوهشی (تحقیقی) ارائه گردید. مقالات ارائه شده تقریباً همه جنبه های فرهنگ نگاری را در بر می گرفت.

هفته منتهی به همایش ملی فرهنگ نگاری توسط اعضا هفته فرهنگ نگاری نامیده شد. در این هفته برنامه های متنوعی راجع به فرهنگ نگاری اجرا شد از جمله: «نشست پژوهشگران جوان و فرهنگ نگاری دوزبانه» و «کارگاه آموزشی فرهنگ نگاری پیکره بنیاد با محوریت نرم افزار Sketch Engine» و سپس «همایش ملی فرهنگ نگاری دوزبانه» و در اختتامیه همایش نشست تخصصی با موضوع «فرهنگ نگاری دوزبانه: پژوهش، ضرورت ها و چالش ها» برگزار گردید.

حوزه های مختلف فرهنگ نگاری دو زبانه مانند: فرهنگ نگاری دو زبانه روسی-فارسی، انگلیسی-فارسی، فرانسه-فارسی، ژاپنی و چینی به فارسی، فرهنگ های لغت کشور شناسی دو زبانه، پیکره های زبانی و فرهنگ لغت، فرهنگ نگاری رایانشی و الکترونیکی، نقد و ارزیابی فرهنگ های دو زبانه و ... دریافت گردید.

مراسم افتتاحیه روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت و با سخنرانی های رسمی و تشریفاتی جناب آقای دکتر محمدرضا محمدی دبیر علمی همایش و مدیر گروه زبان روسی، جناب آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر جان اله کریمی مطهر دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی و رئیس انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی و جناب آقای دکتر هادی بهارلو سرپرست کمیته فرهنگ نگاری و دبیر اجرایی همایش و همچنین سخنرانی جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی به عنوان سخنران ویژه و با

## سومین جشنواره ملی تئاتر دانشجویی به زبان روسی



آن می پردازند.

اعضای گروه تئاتر فرمانروای گرسنگان به شرح زیر است:

نیلوفر دولو در نقش فرمانروای گرسنگان

مهناز معتمدیان در نقش مرگ

فاطمه سادات میرلوحی در نقش کارگر

اعظم شیرازی در نقش کارگر

محدثه چراغعلی در نقش کارگر

رضا فروتن در نقش کارگر

شاندیز عمیدی در نقش کارگر

حسن خلیلی در نقش کارگر

محیا سوری در نقش کارگر

مصطفی چکنی در نقش کارگر

هما عرب در نقش کارگر

فاطمه ذوالقدر در نقش کارگر

جشنواره ملی تئاتر دانشجویی به زبان روسی برای اولین بار در سال ۱۳۹۵ و دومین بار در سال ۱۳۹۶ توسط گروه زبان روسی دانشگاه الزهرا و انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی به منظور آموزش و تقویت استعداد زبانی دانشجویان و ترویج و توسعه زبان روسی از طریق هنر تئاتر در دانشگاه الزهرا برگزار شد.

سومین دوره این جشنواره در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۹۸ در دانشگاه الزهرا برگزار خواهد شد. مسئولیت دبیر اجرایی این سه جشنواره برعهده دکتر زینب صادقی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا است. در دو دوره ی قبل گروه تئاتر دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس به ترتیب موفق به کسب مقام های اول و دوم شد. در این دوره از جشنواره نیز مانند سال های قبل گروه های تئاتر از دانشگاه های مختلف به اجرای نمایش خواهند پرداخت. گروه تئاتر دانشگاه تربیت مدرس نیز با اجرای اثری بر اساس نمایش نامه ی فرمانروای گرسنگان نوشته ی لئانید نیکالایویچ آندری یف به سرپرستی جناب آقای دکتر آبتین گلکار، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، در این دوره از جشنواره تئاتر شرکت خواهد کرد. این نمایشنامه شامل پنج پرده است که این گروه، متشکل از دوازده نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، به اجرای پرده اول





این استندآپ کمدی در مجموع به مطرح کردن برخی اشتباهات زبان آموزان در حوزه ی اصطلاحات و تعبیرات (фразаологизмы)، آوای کلام (интонация)، افعال حرکتی (глаголы движения)، ضربه (ударение)، متشابه ها (паронимы) می پردازد.

در جشنواره تئاتر امسال علاوه بر گروه های تئاتر دانشگاهی، حضور یک گروه تئاتر از طرف کمیته ی فرهنگ نگاری نیز به چشم می خورد. این تئاتر در واقع یک استندآپ کمدی پیرامون اشتباهات رایجی است که برای زبان آموزان رخ می دهد. عنوان این استندآپ کمدی که جناب آقای دکتر هادی بهارلو، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس سرپرستی آن را برعهده دارد، «از اشتباهات می آموزیم» (на ошибках учатся) است.



قلیچیک شخصیت اصلی این ماجراست که در حین یادگیری زبان روسی اشتباهاتی انجام می دهد. در طول نمایش تلاش می شود به او در تصحیح اشتباهاتش کمک شود. در این نمایش خانم مریم احمدی، دانشجوی ورودی ۹۶ مقطع کارشناسی دانشگاه الزهرا و خانم محدثه چراغعلی، دانشجوی ورودی ۹۷ مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس حضور دارند.

در نهایت پس از داوری گروه های نمایشی، گروه دکتر گلکار در بخش کارگردانی برتر و گروه دکتر بهارلو در بخش ایده های نوین برگزیده شدند.

  
**УЧАТСЯ!**  
 Стендап-комедия:  
**ОШИБКАХ**  
**НА** Под руководством: к. ф. н. Бахарлу Х.  
 Стендапер: Марьям Ахмади  
 Иллюстратор: Мохадесе Черагали

Место:  
 Большой зал международных конференций университета "Аль-Захра"  
 Время:  
 20 ноября 2019

Паронимы  
 Фразаологизмы  
 Ударение  
 Интонация  
 Глаголы движения



# برگی از تاریخ

## اسلاوها که بودند؟

### Кто такие славяне?

Славяне, как и индийцы, греки, германцы, - индоевропейцы. Славянский народ считается в истории сравнительно молодым. По одной из научных версий родной славяне считается территория Центральной и Восточной Европы. В первом тысячелетии до н.э. началось переселение славян; переселилась на Балканы, часть на востоке, часть осталась в центральной Европе.

Историки говорят, что славяне были высокими, худощавыми, со светлыми волосами. Славяне жили общинами или семьями, не знали ни крепостей, ни городов, имели только селения. Управлял общиной совет старейшин.

Более всего славяне ценили свободу. Когда не было войны, жили без вождей. Вождя выбирали только во время войны. Славяне были гордые и воинственные люди, умелые, изобретательные и хитрые воины. В случае опасности каждый брал в руки оружие. На врага шли со щитами в руках, пользовались деревянными луком и небольшими стрелами.

От природы добродушные, они были жестоки на войне. славяне не знали ни лукавства, не злости, имели простые нравы, обходились с пленными дружелюбно. их племенные могли сами решить: выкупить себя и возвратиться домой или жить с ними в свободе и братстве. Женщины участвовали вместе с мужчинами в княжеских пирах, гордясь своей хитростью, мудростью. Девушка сама решила, за кого она хочет выйти замуж. Славянки ходили иногда на войну с отцами и мужьями. они были так привязаны к своим мужьями, что не разлучались с ними даже в битвах. Смерть мужа славянки считали своей смертью и добровольно лишали себя жизнь.

اسلاوها مانند هندی ها، یونانی ها، آلمانی ها به اقوام هندی-اروپایی تعلق دارند. اسلاوها از نظر پیشینه و قدمت قومی نسبتاً جوان به حساب می آیند. آنها بومی اروپای مرکزی و شرقی هستند. در هزاره اول قبل از میلاد، اسلاوها بنا به دلایل مختلفی مجبور به مهاجرت به سرزمین های دیگر شدند، به واسطه این مهاجرت، گروهی از آنها در منطقه بالکان و گروهی دیگر در بخش شرقی اروپا ساکن شدند.

تاریخ دانان در توصیف ویژگی های فیزیکی آنها چنین می نویسند: اسلاوها مردمی قد بلند، لاغر اندام و با موهایی روشن بودند. این اقوام به صورت جمعی یا خانوادگی زندگی می کردند، قلعه و شهر نمی شناختند، روستا داشتند و تابع سخن بزرگان شان زندگی می کردند. مردم اسلاو برای آزادی ارزش زیادی قائل بودند، وقتی که جنگ نبود، بدون رهبر زندگی می کردند. آنها مردمی مغرور، جنگجو، مبتکر و ماهر بودند. در زمان خطر، همه اسلحه به دست می گرفتند و با تیرو کمان و سپر به سوی دشمن روانه می شدند.

اسلاوها طبیعتاً ذات خوش اخلاقی داشتند، ولی در جنگ بسیار بی رحم بودند. رفتار آنها با اسیرانشان بسیار مهربانانه بود، به اسیران این اجازه را می دادند که خود تصمیم بگیرند: هزینه آزادی خود را بپردازند و به زندگی عادی برگردند، یا در صلح و آرامش در همان قبیله زندگی کنند.

زنان اسلاو همیشه پا به پای مردان بودند، زنان گاهی با پدران و همسرانشان به جنگ می رفتند. مادران همیشه سعی داشتند فرزندان غیور و جنگ جو و در عین حال مهربان با اسیران تربیت کنند. دختران خودشان تصمیم می گرفتند که می خواهند یا چه کسی زندگی کنند و مرگ مرد روس برای همسرش انتهای زندگی بود و زندگی بدون همسرشان را زندگی نمی دانستند.

Источник: История России в событиях и судьбах: Учебное пособие с мультимедийным приложение для изучающих русский язык как иностранный/ А. А. Акишина и др.— М.: Русский язык. Курсы. 2015.—168 с.

## Язык мой — враг мой.

Излишняя словоохотливость, несдержанность в выражениях вредят человеку. Говорят, когда признают, что сами себе вредят неосторожными высказываниями, привычкой говорить лишнее, не подумов.

„Пришёл брат Урасов, беседовали о суетах мира. Рассказывал о новых предначертаниях государя. Я начал было осуждать, но вспомнил о своих правилах и слова благодетеля нашего о том, что истинный масон должен быть усердным деятелем в государстве, когда требуется его участие, и спокойным созерцателем того, к чему он не призван. **Язык мой — враг мой.** (Л. Толстой. Война и мир)

Хоть мне и не хотелось, с ней ссориться, ну да что делать? **Язык мой враг мой.** (А. Островский, Старый друг лучше новых двух)



## زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد.

گویند روزی مردی پارچه باف بود و در این کار بسیار خبره و ماهر بود. روزی از روزها مرد تمام وقت خود را صرف بافندگی پارچه ی زرینه بافی کرد تا اینکه بعد از تلاش و زحمت بسیار توانست آن را بیافد. پس از اتمام کار از جای بلند شد و پارچه را کادو کرد و به راه افتاد. در راه مشتریان زیادی برای پارچه ی او پیدا شدند اما مرد می گفت که پیشکش سلطان است و به هیچ وجه حاضر به فروش آن نیست.

زمانی که به کاخ سلطان رسید سربازان از او پرسیدند: آن چیست در دست تو و اجازه ی ورود نداری ... تا اینکه وزیر به صورت تصادفی از آنجا می گذشت و دستور داد اجازه ورود آن فرد را بدهند. مرد به کمک وزیر وارد قصر شده و هدیه خویش را پیشکش سلطان کرد.

سلطان با دیدن پارچه ی زرینه بافی شده بسیار خوشحال شد و از مرد تشکر کرد. همانجا بود که درباریان یک به یک نظر دادند که سلطان پارچه را برای چه وقتی بدوزد و بر تن کند. سلطان گفت: خودت بگو که این پارچه برای چه وقتی مناسب است؟ مرد که زبان تند و تیزی داشت به ناگاه گفت: به نظر من آنرا بردارید هنگامی که به رحمت خدا رفتید آن را بر روی قبر شما بیاندازند.

سلطان عصبانی شد و گفت: تو چگونه برای من آرزوی مرگ می کنی؟ و دستور داد سر مرد را از تنش جدا کنند. از آن هنگام است که می گویند: **زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد.**

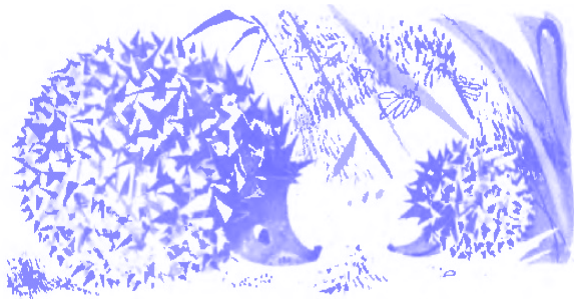
## «СЕРАЯ ЗВЁЗДОЧКА»



— Ну, так вот, — сказал папа Ёжик, — сказка эта называется «Серая Звёздочка», но по названию тебе ни за что не догадаться, про кого эта сказка. Поэтому слушай внимательно и не перебивай. Все вопросы потом.

— А разве бывают серые звёздочки? — спросил Ежонок.

— Если ты меня ещё раз перебьёшь, не буду рассказывать, — ответил Ёжик, но, заметив, что сынишка собирается заплакать, смягчился: — Вообще-то не бывает, хотя, по-моему, это странно — ведь серый цвет самый красивый. Но одна Серая Звёздочка была.



— Так вот, жила-была жаба — неуклюжая, некрасивая, вдобавок от неё пахло чесноком, а вместо колючек у неё были — можешь себе представить! — бородавки. Брр!

К счастью, она не знала ни о том, что она такая некрасивая ни о том, что она — жаба.

Во-первых, потому, что была совсем маленькая и вообще мало что знала, а во-вторых, потому, что её никто так не называл. Она жила в саду, где росли Деревья, Кусты и Цветы, а ты должен знать, что Деревья, Кусты и Цветы разговаривают только с теми, кого они очень-очень любят. А ведь не станешь ты называть того, кого ты очень-очень любишь, жабой?

Ежонок засопел в знак согласия.

— Ну вот, Деревья, Кусты и Цветы очень любили жабу и поэтому звали её самыми ласковыми именами. Особенно Цветы.

— А за что они её так любили? — тихонечко спросил Ежонок.

Отец насупил, и Ежонок сразу свернулся.

— Если помолчишь, то скоро узнаешь, — строго сказал Ёжик. Он продолжал: — Когда жаба появилась в саду, Цветы спросили, как её зовут, и, когда она ответила, что не знает, очень обрадовались.



«Ой, как здорово! — сказали Анютины Глазки (они первыми увидели её). — Тогда мы сами тебе придумаем имя! Хочешь, мы будем звать тебя... будем звать тебя Анютой?»

«Уж лучше Маргаритой, — сказали Маргаритки. — Это имя гораздо красивее!»

Тут вмешались Розы — они предложили назвать её Красавицей; Колокольчики потребовали, чтобы она называлась Динь-Динь (это было единственное слово, которое они умели говорить), а цветок, по имени Иван-да-Марья, предложил ей называться Ванечка-Манечка.

Ежонок фыркнул и испуганно покосился на отца, но Ёжик не рассердился, потому что Ежонок фыркнул вовремя. Он спокойно продолжал:

— Словом, спорам не было бы конца, если бы не Астры. И если бы не Учёный Скворец.

«Пусть она называется Астрой», — сказали Астры.

«Или, ещё лучше, Звёздочкой, — сказал Учёный Скворец. — Это значит то же самое, что Астра, только гораздо понятнее. К тому же она и правда напоминает звёздочку — вы только посмотрите, какие у неё лучистые глаза! А так как она серая, вы можете звать её Серой Звёздочкой — тогда уж не будет никакой путаницы! Кажется, ясно?»

И все согласились с Учёным Скворцом, потому что он был очень умный, умел говорить несколько настоящих человеческих слов и насвистывать почти до конца Музыкальное произведение, которое называется, кажется... «Ёжик-Пыжик» или как-то в этом роде. За это люди построили ему на тополе домик.



С тех пор все стали называть жабу Серой Звёздочкой. Все, кроме Колокольчиков, — они по-прежнему звали её Динь-Динь, но ведь это было единственное слово, которое они умели говорить.

«Нечего сказать, звёздочка, — прошипел толстый старый Слизняк. Он вполз на розовый куст и подбирался к нежным молодым листочкам. — Хороша звёздочка! Ведь это самая обыкновенная серая...»



Он хотел сказать «жаба», но не успел, потому что в этот самый миг Серая Звёздочка взглянула на него своими лучистыми глазами — и Слизняк исчез.

«Спасибо тебе, милая Звёздочка, — сказала Роза, побледневшая от страха. — Ты спасла меня от страшного врага!»

— А надо тебе знать, — пояснил Ёжик, — что у Цветов, Деревьев и Кустов, хотя они никому не делают зла — наоборот,

одно хорошее! — тоже есть враги. Их много. Хорошо ещё, что эти враги довольно вкусные!

— Значит, Звёздочка съела этого толстого Слизняка? — спросил Ежонок облизнувшись.



— Скорее всего, да, — сказал Ёжик. — Правда, ручаться нельзя. Никто не видел, как Звёздочка ела Слизняков, Прожорливых Жуков и Вредных Гусениц. Но все враги Цветов исчезали, стоило Серой Звёздочке посмотреть на них своими лучистыми глазами. Исчезали навсегда. И с тех пор как Серая Звёздочка поселилась в саду, Деревьям, Цветам и Кустам стало жить гораздо лучше. Особенно Цветам. Потому что Кусты и Деревья защищали от врагов Птицы, а Цветы защищать было некому — для Птиц они слишком низенькие.



Вот почему Цветы так полюбили Серую Звёздочку. Они расцветали от радости каждое утро, когда она приходила в сад. Только и слышно было: «Звёздочка, к нам!», «Нет, сперва к нам! К нам!..»

Цветы говорили ей самые ласковые слова, и благодарили, и хвалили её на все лады, а Серая Звёздочка скромно молчала — ведь она была очень, очень скромная, — и только глаза ее так и сияли.

Одна Сорока, любившая подслушивать человеческие разговоры, однажды даже спросила, правда ли, что у неё в голове спрятан драгоценный камень и поэтому её глаза так сияют.

«Я не знаю, — смущённо сказала Серая Звёздочка. — По-моему, нет...»

«Ну и Сорока! Ну и пустомеля! — сказал Учёный Скворец. — Не камень, а путаница, и не у Звёздочки в голове, а у тебя! У Серой Звёздочки лучистые глаза потому, что у неё чистая совесть — ведь она делает полезное Дело! Кажется, ясно?»

— Папа, можно задать вопрос? — спросил Ежонок.

— Все вопросы потом.

— Ну пожалуйста, папочка, только один.

— Один — ну так и быть.

— Папа, а мы... мы полезные?

— Очень, — сказал Ёжик, — можешь не сомневаться. Но слушай, что было дальше.

Так вот, как я уже сказал, Цветы знали, что Серая Звёздочка — добрая, хорошая и полезная. Знали это и Птицы. Знали, конечно, и Люди, особенно Умные Люди. И только враги Цветов

были с этим не согласны. «Мерзкая, вредная злючка!» — шипели они, конечно, когда Звёздочки не было поблизости. «Уродина! Гадость!» — скрипели Прожорливые Жуки. «Надо расправиться с ней! — вторили им Гусеницы. — От неё просто нет житья!»



Правда, на их брань и угрозы никто не обращал внимания, и к тому же врагов становилось всё меньше и меньше, но, на беду, в дело вмешалась ближайшая родственница Гусениц — бабочка Крапивница. На вид она была совершенно безобидная и даже хорошенькая, но на самом деле ужасно вредная. Так иногда бывает.

Да, я забыл тебе сказать, Что Серая Звёздочка никогда не трогала Бабочек.

— Почему? — спросил Ежонок. — Они невкусные?

— Совсем не потому, глупыш. Скорее всего потому, что бабочки похожи на цветы, а ведь Звёздочка так любила Цветы! И, наверно, она не знала, что Бабочки и Гусеницы — почти одно и то же. Ведь Гусеницы превращаются в Бабочек, а от Бабочек выводятся новые Гусеницы...

Так вот, хитрая Крапивница придумала хитрый план — как погубить Серую Звёздочку.

«Я скоро спасу вас от этой мерзкой жабы!»

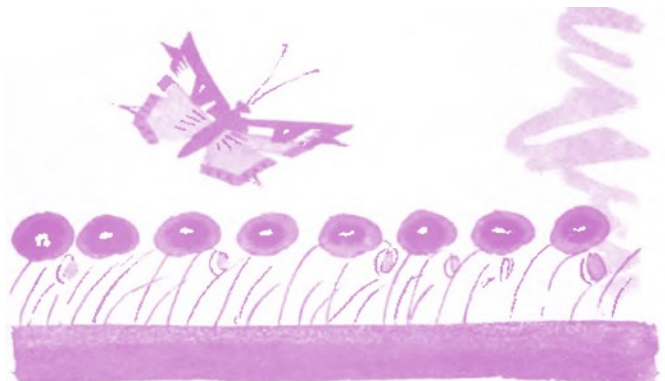
— сказала она своим сёстрам Гусеницам, своим друзьям — Жукам и Слизнякам. И улетела из сада.

А когда она вернулась, за ней бежал Очень Глупый Мальчишка. В руке у него была тубетейка, он размахивал ею в воздухе и думал, что вот-вот поймает хорошенькую Крапивницу. Тубетейкой.



А хитрая Крапивница делала вид, что вот-вот попадётся: сядет на цветок, притворится, будто не замечает Очень Глупого Мальчишку, а потом вдруг вспорхнёт перед самым его носом и перелетает на следующую клумбу.

И так она заманила Очень Глупого Мальчишку в самую глубину сада, как раз на ту дорожку, где сидела Серая Звёздочка и беседовала с Учёным Скворцом.



Крапивница была сразу же наказана за свой подлый поступок: Учёный Скворец молнией слетел с ветки и схватил её клювом. Но было уже поздно, потому что Очень Глупый Мальчишка заметил Серую Звёздочку.

«Жаба, жаба! — закричал он очень глупым голосом. — У-у-у, какая противная! Бей жабу! Бей!»

Серая Звёздочка сперва не поняла, что он говорит о ней, — ведь её никто ещё не называл жабой. Она не двинулась с места и тогда, когда Очень Глупый Мальчишка замахнулся на неё камнем.



«Звёздочка, спасайся!» — отчаянным голосом крикнул ей Учёный Скворец, чуть не подавившись Крапивницей.

В ту же минуту тяжёлый камень шлёпнулся на землю рядом с Серой Звёздочкой. К счастью, Очень Глупый Мальчишка промахнулся, и Серая Звёздочка успела отскочить в сторону. Цветы и Трава скрыли её от глаз. Но Очень Глупый Мальчишка не унимался. Он подобрал ещё несколько камней и продолжал швырять их туда, где шевелились трава и цветы.

«Жаба! Ядовитая жаба! — кричал он. — Бей уродину!»

«Дур-ра-чок! Дур-ра-чок! — крикнул ему Учёный Скворец. — Что за путаница у тебя в голове? Ведь она полезная! Кажется, ясно?»



Но Очень Глупый Мальчишка схватил палку и полез прямо в Розовый Куст — туда, где, как ему казалось, спряталась Серая Звёздочка.

Розовый Куст изо всех сил уколол его своими острыми колючками. И Очень Глупый Мальчишка с рёвом побежал из сада.

— Урраа! — закричал Ежонок.

— Да, брат, колючки — это хорошая вещь! — продолжал Ёжик. — Если бы у Серой Звёздочки были колючки, то, возможно, ей не пришлось бы так горько плакать в этот день. Но, как ты знаешь, колючек у неё не было, и потому она сидела под корнями Розового Куста и горько-горько плакала. «Он назвал меня жабой, — рыдала она, — уродиной! Так сказал Человек, а ведь люди всё-всё знают! Значит, я жаба, жаба!..»

Все утешали её как могли: Анютины Глазки говорили, что она всегда останется их милой Серой Звёздочкой; Розы говорили ей, что красота — не самое главное в жизни жизни (с их стороны это была немалая жертва). «Не плачь, Ванечка-Манечка», — повторяли Иван-да-Марья, а Колокольчики шептали: «Динь-Динь, Динь-Динь», и это тоже звучало очень утешительно.

Но Серая Звёздочка плакала так громко, что не



слышала утешений. Так всегда бывает, когда начинают утешать слишком рано. Цветы этого не знали, но зато это прекрасно знал Учёный Скворец. Он дал Серой Звёздочке вволю выплакаться, а потом сказал:

«Я не буду тебя утешать, дорогая. Скажу тебе только одно: дело не в названии. И уж, во всяком случае, совершенно неважно, что про тебя скажет какой-то Глупый Мальчишка, у которого в голове одна путаница! Для всех твоих друзей ты была и будешь милой Серой Звёздочкой. Кажется, ясно?»

И он засвистел Музыкальное произведение про... про Ёжика-Пыжика, чтобы развеселить Серую Звёздочку и показать, что считает



разговор окончанным.

Серая Звёздочка перестала плакать.

«Ты, конечно, прав, Скворушка, — сказала она. — Конечно, дело не в названии... Но всё-таки... всё-таки я, пожалуй, не буду больше приходить в сад днём, чтобы... чтобы не встретить кого-нибудь глупого...»

Серая Звёздочка перестала плакать.

«Ты, конечно, прав, Скворушка, — сказала она. — Конечно, дело не в названии... Но всё-таки... всё-таки я, пожалуй, не буду больше приходить в сад днём, чтобы... чтобы не встретить кого-нибудь глупого...»



**Прочитайте текст и найдите героев сказки:**

К	Р	А	П	И	В	Н	И	Ц	Е
Р	С	Л	Ж	А	Б	А	Д	А	Ж
О	Ж	И	С	А	Е	Р	Е	З	О
З	У	З	О	К	В	М	Ё	В	Н
А	К	Н	Р	О	Ь	А	Ж	Ё	О
Г	И	Я	А	С	Я	Л	И	З	К
У	С	К	Ц	К	Ц	Ь	К	Д	О
К	Е	Н	И	В	Е	Ч	А	К	Ч
У	С	Т	Ы	О	Р	И	Ш	К	А



نخستین کمپ آموزشی روسی در ایران  
 «برای اولین بار در ایران بر اساس طرحی از  
 دانشجویان زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس»

۵ دی ۱۳۹۸

نشست تخصصی

«نگاهی به زبان شناسی شناختی در روسیه»

سخنران: دکتر محبوبه علیاری شوره دلی

۲۴ آذر ۱۳۹۸



کارگاه آموزشی

«استفاده از نرم افزار های تحلیل پیکره در

پژوهش های زبانی»

مدرس: دکتر جواد اکبری

۱۹ آذر ۱۳۹۸





چهارمین گردهمایی دانش آموزان و دانشجویان زبان روسی اسفندماه ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد.

